

لزوم دسترسی به دانش در تحقق حقوق بشر

(حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی)

نویسندگان: آمنه دهشیری ، محمد شریف شاهی



لزوم دسترسی به دانش در تحقق حقوق بشر^۱

(حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی)

نویسندگان

آمنه دهشیری

محمد شریف شاهی

^۱ این مقاله در شماره ۱۲ مجله حقوق اساسی، زمستان ۱۳۸۸ در صفحات ۷۱ الی ۹۴ منتشر شده است.

آنچه دوران ما را از عصر کشاورزی و صنعتی متفاوت می کند سیطره دانش بر کلیه شئون و امور زندگی بشر است. از این روست که این دوران را عصر دانش نامیده اند. هرچند فعالیت های انسان از گذشته های بسیار دور عجین با دانش بوده است اما حدود یک دهه است که اهمیت دانش در کسب و کار اقتصادی و تأمین نیاز های اولیه بشر، بسیار پررنگ شده است.

مشکلات بشر امروز خاص اوست و هیچگاه سابقه نداشته است. مانند مشکلات ناشی از تغییرات آب و هوایی، ایجاد خشکسالی و کمبود غذا همراه با افزایش جمعیت، بیماری های صعب العلاج مقاوم به درمان و مسائل مربوط به کمبود انرژی در عین وابستگی شدید به منابع انرژی. اما راه حل این مشکلات را نیز بشر امروز از طریق دانش پیشرفته خویش می تواند ارائه کند و پاسخ به این مسائل یعنی تأمین حیات بشر و کمک به ادامه بقاء او. دانش بشری برای اینکه توسعه پیدا کند و بتواند برای مشکلات جدید جهانی راه حل ارائه دهد باید آزادانه به اشتراک گذاشته شود. دولتها برای آنکه بتوانند تعهدات حقوق بشری خود را انجام دهند نیاز مند دسترسی به دانش هستند. انحصار دانش از طرف اشخاص عمومی یا خصوصی مانع تحقق حقوق بشر است، بنابراین انحصار دانش منجر به نقض حقوق بشر می شود.

Abstract

Today Knowledge covers all over actions and aspects of human life. It makes our age different from agricultural and industrial ages. However human's life had been in company with knowledge but these days knowledge becomes more important than yesterday in business, economic and ensuring human's needs.

In This age Human confronting whit many problems that are special for him/her and they've never been in past, for example climate changes, drought, incurable disease and shortage of energy, while our life is depended to it. Just knowledge can solve these problems, give answer to them, ensure human life and help to his/her survival. Knowledge should be common and share because it is necessary for knowledge development and achieving to new answers for new problems. States need to knowledge for fulfill their human rights obligations. Knowledge monopoly by public or private entity is an obstacle for human rights ensuring. Therefor knowledge monopoly resulting in human rights violation.

در دورانی به سر می بریم که بشر با مشکلات فراوانی روبه روست مشکلاتی که خاص این دوران است و قبل از آن سابقه نداشته است. ولی انسان این دوران توانسته با استفاده از علم و دانش برای این مشکلات راه حل پیدا کند. برخی از این مشکلات عبارتند از کاهش ذخایر طبیعی و جمعیت رو به افزایش جهان، آلودگی محیط زیست، موجودات در خطر انقراض، کاهش منابع انرژی و آب سالم، افزایش دمای زمین و احتمال به زیر آب رفتن ده ها شهر و کشور و بروز و شیوع بیماری های مسری و خطرناک مانند ایدز.

در این زمان دانش بشر جهت تولید انواع فراورده های غذایی دستکاری شده از طریق گیاهان پر محصول و مقاوم در برابر کمبود آب، داروهای نو ترکیب، تجهیزات نانویی و رباتیک، استفاده از منابع جدید انرژی و سازگار با محیط زیست سبب سیطره علم به زندگی بشر گردیده است. بنابراین به اقتضای شرایط کنونی جهان، دانش جدید وارد زندگی بشر شده و به اقتضای همین شرایط دیگر زندگی بشر بدون این دانش جدید امکان پذیر نیست. روزگاری علم و دانش برای کشف اسرار طبیعت تلاش می کرد اما امروزه علاوه بر کشف رازهای طبیعت، دانش ثروت و رفاه به ارمغان می آورد و می تواند بشریت را به جایی برساند که ناآرامی و تنش های سیاسی و اجتماعی را در آن راه نباشد و نابرابری های اجتماعی به حداقل برسند. در اعلامیه حقوق بشر نیز در کنار توجه به حق مبتکر و مولف نسبت به تألیف و اختراع به حق بهره مندی بشریت از منافع ناشی از پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی نیز توجه شد.

در این نوشتار به دنبال آنیم تا ضرورت دسترسی به دانش را برای داشتن یک زندگی توأم با کرامت بشری در دنیای امروز مورد بررسی قرار دهیم. بنابر این رابطه بین دسترسی به دانش و انجام تعهدات حقوق بشری دولتها در قبال نسل اول و دوم حقوق بشر در دنیای امروز مسئله ای است که این نوشتار به آن می پردازد. تا این فرضیه را که دسترسی آزادانه به دانش و به اشتراک گذاشتن آن بدون تبعیض بین تمام ملل ضرورتی برای تأمین زندگی با کرامت به اثبات برسد.

بند اول (دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق مدنی و سیاسی

حقوق مدنی و سیاسی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید و حمایت قرار گرفته اند، نسل اول حقوق بشر نیز نامیده می شوند. ایران از دولتهای امضا کننده اعلامیه و میثاق حقوق مدنی سیاسی است.

بعضی از این حقوق عبارتند از حق حیات، حق آزادی از شکنجه و مجازات های و رفتارهای ظالمانه و ترذیلی، حق آزادی از بردگی، حق بر آزادی و امنیت شخصی، حق عبور و مرور آزادانه، حق آزادی مذهب آزادی عقیده و بیان و حق مشارکت در امور عمومی جامعه.

حقوق مدنی سیاسی برای اولین بار در قرن نوزدهم و در اعلامیه های انقلابی آمریکا و فرانسه اعلام شدند. هدف این حقوق حمایت از فرد در برابر بد رفتاری های حکومت است. برای مثال اگر دولت برای آزادی بیان مانعی ایجاد نکند این حق تأمین می شود. به عبارت دیگر در نگاه اول تعهد دولت در مقابل این حق تعهد به انجام ندادن بعضی کارها یا تعهد منفی است.

به علاوه تحقق این حقوق توسط دولت ها نیاز به تهیه امکانات خاصی ندارند و بدون هیچ فوت وقتی باید این حقوق را مورد حمایت و تضمین قرار دهند. علی رغم این تصور سنتی در مورد حقوق مدنی سیاسی که حقوق مدنی سیاسی هزینه ای برای دولت به همراه ندارد^۲ و به صرف عدم دخالت دولت محقق می شود اما بسیاری از حقوق مدنی سیاسی در صورتی تضمین می شوند که دولت برای تحقق آنها اقدامات حمایتی اتخاذ کند. مانند حق مشارکت در اداره امور عمومی جامعه که در صورت وجود انتخاباتی عاری از تقلب و سالم محقق می شود و چنین انتخاباتی در سایه حمایت و برنامه های مختلفی که دولت اجرایی کند امکان پذیر می گردد.^۳

تعهدات دولت به رعایت حقوق بشر هرچند که در داخل کشورها باید اجرا شود اما از یک جنبه جهانی نیز برخوردار هستند، زیرا دولتها نسبت به کل بشریت در قبال ایفای این تعهدات مسئولیت دارند و طبق رأی دیوان دادگستری بین المللی تعهدات حقوق بشری تعهداتی همگانی و فراگیر هستند و تمام دولت ها در اجرای آنها توسط سایر دولتها دارای نفع مشروع هستند.^۴ طبق مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولتها می توانند از نقض این حقوق توسط هر یک از دولتها به کمیته حقوق بشر شکایت خود را اعلام کنند.^۵ هرچند که طرف تعهد در حقوق بشر نسل اول و دوم دولت ها هستند و نباید حقوق بشری افراد را نقض کنند. اما علاوه بر این دولتها باید مانع نقض این حقوق توسط اشخاص خصوصی حقیقی یا حقوقی نیز بشوند.^۶

یکی از بنیادین ترین حقوق بشری که در دسته حقوق مدنی و سیاسی قرار دارد حق حیات است و بقیه حقوق به نوعی تضمین کننده این حق بنیادین هستند مانند حق سلامت و حق غذا و در جهان امروز تحقق سلامتی و دسترسی به غذای کافی در گرو آن است که ملت ها به دانش و تکنوژی روز دسترسی داشته باشند. علاوه بر حق حیات در میان حقوق مدنی سیاسی آزادی بیان و مشارکت در اداره امور عمومی نیز مستلزم آن است آزادی دسترسی به اطلاعات تأمین شود.

الف) حق آزادی بیان و دسترسی به دانش

۱. حق آزادی بیان

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق آزادی بیان را شامل حق آزادی تحصیل فکر و عقیده بدون هیچگونه مداخله و همچنین آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده ها از طریق تمام وسایل و بدون توجه به ملاحظات مرزی، می داند. ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز آزادی جستجو، دریافت و اشاعه ایده ها و اطلاعات را به هر شکلی اعم از شفاهی، کتبی، چاپی و یا در قالب و شکل هنری، و به هر وسیله دلخواه را جزء آزادی بیان دانسته است.

^۲ Sarah Jozeph, Jenny Schult, *the international convention on civil and political right*, Oxford University Press, 2000, p.33

^۳ Human Rights Committee, General Comment no.31, para 17.

^۴ ماده ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

^۶ Human Rights Committee, General Comment no.31, para 7.

ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حفظ از حق در یافت و انتقال اطلاعات و اندیشه ها به عنوان حقوق پیرامونی حق آزادی بیان نام برده است و از آزادی جستجوی اطلاعات و اندیشه ها سخنی نمی گوید. اما باید توجه داشت که انتشار و انتقال اطلاعات و اندیشه ها زمانی معنای واقعی پیدا می کند که افراد در جستجوی خود برای پیدا کردن اطلاعات و اندیشه ها با موانعی روبه رو نشوند. فرد برای آنکه عقیده و نظر مختص به خود را داشته باشد (حق داشتن عقیده و نظر) و از حق آزادی بیان منتفع شود نیاز مبرمی به یافتن اطلاعات و اندیشه ها دارد. این اطلاعات و اندیشه ها هستند که در تبادل و دادوستد آزاد بین اذهان باعث شکل گیری عقیده و بیان می شوند.^۷

بنابراین آزادی بیان همنشینی همیشگی با آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات دارد. تفسیرهای ارائه شده در مورد ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نشان دهنده آن است که حق آزادی بیان در بردارنده حق جستجوی اطلاعات نیز می باشد، هر چند که از این حق صراحتاً در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نام برده نشده است.^۸

۲. قلمرو حق جستجو و دریافت اطلاعات

می توان گفت حق آزادی بیان یک حق مرکزی است که حق های جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات در پیرامون آن قرار دارند و زمینه را برای تحقق آن فراهم می کنند. حتی با گذشت زمان و ایجاد پیشرفت های شگفت انگیز در عرصه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، قلمرو حق جستجو و دریافت اطلاعات به نحو صریح و روشنی مشخص نگردیده است. اما با توجه به اسناد بین المللی در مورد این حق می توان حق جستجو و دریافت اطلاعات را بردارنده موارد زیر دانست:

(۱) هر کسی حق دارد به اطلاعات مربوط به هر موضوعی که خود انتخاب می کند دست پیدا کند. موضوع این اطلاعات می تواند طیف وسیعی از اطلاعات علمی، ادبی، هنری و... را شامل شود. عبارت "اطلاعات" به کار رفته در اسناد حقوق بشری مانند ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی معنایی عام دارد.

(۲) حق جستجو و دریافت اطلاعات، دسترسی به قالب های مختلفی که اطلاعات از طریق آنها ارائه می شود را شامل می گردد مانند کتاب، فایل کامپیوتری، فیلم، صدا و قالب های هنری. ماده ۱۹ میثاق ح.م.س نیز تصریح دارد به دسترسی به اطلاعات در هر شکل شفاهی، کتبی و چاپی یا قالب های هنری و به هر وسیله دلخواه.

(۳) حق جستجو و دریافت اطلاعات، شامل رفع موانع برای به دست آوردن اطلاعات نیز می شود مانند فراهم بودن تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات لازم برای به دست آوردن اطلاعات از طریق اینترنت، آزادی مسافرت برای به دست آوردن اطلاعات، از طریق تحصیل، شرکت در کنفرانس ها و سمینارها و یا جمع آوری اخبار و گزارشات ژورنالیستی.^۹ حق جستجو و دریافت اطلاعات طبق اعلامیه حقوق بشر و میثاق حتی موانعی همچون مرزها را نیز پشت سر می نهد.

۳. تکالیف دولت ها در قبال حق جستجو و دریافت اطلاعات

به طور کلی تعهدات دولت ها در مورد حق جستجو و دریافت اطلاعات را می توان در دو سطح مورد مطالعه قرار داد: (۱) تعهدات دولت در قبال افراد خود، (۲) تعهد دولت ها در قبال جامعه بین المللی.

^۷ سید محمد قاری فاطمی، "توسعه قلمرو و توضیح محدودیت: آزادی بیان در آیین حقوق بشر معاصر"، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۴۱، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹

^۸ Loukis G. Loucaides, *Essays on the Developing Law of Human Rights*, Martinus Nijhoff Publishers, 1995, p.19.

^۹ Ibid. p.5.

ماده ۲ میثاق حقوق مدنی سیاسی به تعهدات دولت های عضو در قبال افراد به عنوان دارندگان حق اشاره کرده است. علاوه بر این هر دولت عضو در اجرای تعهدات سایر دولت های عضو دارای نفع حقوقی است و این امر ناشی از آن است که قواعد مربوط به حقوق اساسی انسان، تعهداتی در قبال همگان هستند.^{۱۰} در بند ۴ مقدمه میثاق آمده است تعهدی برخاسته از منشور ملل متحد در مورد پیشبرد احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی های اساسی و رعایت آنها، وجود دارد.

به دلیل واقعیت وابستگی متقابل ملت ها و به خصوص گردش بین المللی اطلاعات و اندیشه ها در قالب آثار ادبی و هنری چه بسا ممکن است اقدامات یک دولت در درون سرزمین خود ناقض حقوق افراد واقع در آن سرزمین نباشد ولی همین اقدامات بهره مندی افراد واقع در سرزمین دولت دیگر را از حقوق بشر متأثر سازد.

۵. دانش و حق جستجو و دریافت اطلاعات

همانطور که هیچ کس نباید برای بیان افکار خود با مانعی روبه رو شود این حق را هم دارد که به افکار بیان شده توسط دیگران نیز دسترسی داشته باشد. برای رسیدن به دانش، اطلاعات باید رد و بدل شوند، مقایسه شوند، نقد شوند، ارزیابی شوند و جذب شوند. در صورتی که یک جامعه اطلاعاتی جهانی وجود داشته باشد تضمین لازم برای تحقق آزادی بیان و آزادی تحقیقات علمی وجود دارد. جامعه اطلاعاتی جهانی جامعه ای است که افراد برای دسترسی به اطلاعات در آن با مانع روبه رو نیستند و با فراهم بودن امکانات تکنولوژی اطلاعات به طور مناسب برای همه امکان دسترسی به اطلاعات به طور منصفانه ای فراهم است.^{۱۱}

برای اینکه اطلاعات ارائه شده در جامعه اطلاعاتی، حقیقی و مناسب باشند باید امکان دسترسی به منابع اطلاعاتی مختلف وجود داشته باشد تا در فضایی چند صدایی امکان مقایسه و نقد اطلاعات ارائه شده وجود داشته باشد.

ب) حق مشارکت در زندگی عمومی و دسترسی به دانش

۱. حق مشارکت در زندگی عمومی

ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هرکس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به نحو مستقیم و یا با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب می کند شرکت کند». ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز حق مشارکت در اداره عمومی کشور را به عنوان یک حق بشری شناسایی کرده است.

اگر سیاست به معنای تصمیم گیری و اعمال تصمیم برای کل جامعه توسط حکومت باشد^{۱۲} پس می توان مشارکت مردم در اداره امور عمومی را مشارکت سیاسی نامید. مشارکت سیاسی به معنی فرصت پرداختن عده زیادی از شهروندان در امور سیاسی از شرط های لازم دموکراسی است. مشارکت افراد در اداره امور عمومی در نظام دموکراتیک سرچشمه اصلی مشروعیت سیاسی است. در یک تعریف ساده از دموکراسی می توان گفت که دموکراسی یک روش حکومت است که در آن حزب یا گروه حاکم منتخب مردم است و بر اساس انتخابات آزاد، رقابتی و منظم قدرت دولتی را برای مدتی معین به دست می گیرد و در جهت اهداف اعلام شده خود اعمال می کند.^{۱۳}

¹⁰ Human Rights Committee, General Comment no.31.

¹¹ **Toward Knowledge Societies**, UNESCO world report 2005 p.28. at: www.unesco.org/publications.

¹² حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۹.

¹³ حسین بشیریه، گذار به دموکراسی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲.

هرچند مشارکت همگانی فی نفسه باعث ایجاد دموکراسی نمی شود، اما وجود فرصت مشارکت در فرآیند سیاسی برای شهروندان متوسط امری ضروری برای هر دموکراسی است. رأی دادن عادی ترین شکل مشارکت سیاسی در هر دموکراسی است اما یگانه شکل مشارکت نیست. می توان بین شکل های متعارف مشارکت سیاسی که در همه دموکراسی ها قانونی اند و شکل های نامتعارف مشارکت سیاسی نظیر تحریم و تظاهرات که گاه ممکن است غیر قانونی باشند تمایز قایل شد. شکل های متعارف مشارکت سیاسی علاوه بر رأی دادن عبارتند از شرکت در مبارزه سیاسی، همکاری با دیگران برای حل مسائل محلی و کوشش برای تحت تأثیر قرار دادن سیاستمداران و جلب کردن توجه آنها به مسائل مورد توجه اشخاص.^{۱۴}

اینک همه نظام های سیاسی برای کسب مشروعیت و تداوم حیات خود از برچسب دموکراسی بهره برداری می کنند و با ایجاد بعضی از نهاد های سیاسی دموکراتیک مدعی چنین حقانیت و مشروعیتی می شوند.^{۱۵}

البته باید توجه داشت که همیشه دموکراسی با چهره گشاده و آغوش باز مواجه نبوده و همواره در طول تاریخ انتقادات بسیاری از آن شده است. از جمله منتقدان دموکراسی افلاطون است او دموکراسی را حکومت مردمی نادان می داند که از فضائل و اعتدال بویی نبرده اند و به راحتی فریب حکومت را می خورند زیرا حکومت دموکراسی چیزهایی را به مردم می گوید که مورد علاقه آنهاست نه مورد نیازشان. قرن ها پس از افلاطون برک در کتاب تأملاتی در باب انقلاب در فرانسه دموکراسی را شرم آورترین نوع حکومت توصیف می کند زیرا مبتنی بر آرای توده ای است که از عقل و حکمت بی بهره است.^{۱۶}

این انتقادات باعث شد تا طرفداران دموکراسی متوجه خطری که ناآگاهی مردم برای دموکراسی دارد بشوند و به این نتیجه برسند که مشارکت باید از روی آگاهی باشد نه جهل، مردم آگاه باعث تداوم دموکراسی هستند زیرا با هوشیاری اعمال منتخبان خود را زیر نظر دارند. از این رو است که امروزه متفکران از معیارهایی برای سنجش دموکراسی استفاده می کنند و صرف شرکت مردم در انتخابات و انتخاب کردن برای داشتن دموکراسی نیست. یکی از کسانی که برای سنجش دموکراسی معیارهایی را ارائه داده است رابرت دال است او در کتاب دموکراسی و منتقدانش برای سنجش نظام های دموکراتیک پنج ضابطه را ارائه کرده است:

۱. برابری رأی، ۲. مشارکت مؤثر، ۳. درک و فهم روشنگرانه، ۴. کنترل برنامه و دستور کار سیاسی، ۵. شمول و در بر گیرندگی.^{۱۷}

در یک نظام دموکراتیک از دو طریق مردم می توانند این اطلاعات را به دست بیاورند:

۱) رسانه های همگانی آزاد: رسانهای همگانی در دموکراسی جدید نقشی حیاتی دارند زیرا بخش عمده اطلاعات و درک و برداشتی که شهروندان بر پایه آن درباره رهبران و سیاست های آنان تصمیم می گیرند از آنچه روی صفحه تلویزیون می بینند و یا در روزنامه می خوانند یا از رادیو می شنوند نشأت می گیرد.^{۱۸} از این رو نظریه پردازان دموکراسی عقیده دارند که دموکراسی آنگاه می تواند کامیاب تر باشد که رسانه های همگانی هم واقعیت رویدادهای اصلی سیاسی را آن گونه که هست به شیوه ای منعکس کنند که برای مردم عادی قابل فهم باشد و هم عرصه آزادی برای برخورد آرا و نظریات و نقد سیاسی باشند.^{۱۹}

^{۱۴} سیپور مارتین لیپست، دایرة المعارف دموکراسی، سرپرستان ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴۱.

^{۱۵} همان، ص ۲۶۹.

^{۱۶} حسین بشریه، آموزش دانش سیاسی، پیشین، صص ۴۴۰-۴۴۳.

^{۱۷} R.A.Dahl, *Democracy and its Critics*, Yale University Press, London, 1989, pp.220-222.

^{۱۸} باقر انصاری، "مفهوم میانی و لوازم آزادی اطلاعات"، نامه مفید حقوقی، شماره ۱۳۸۶، ص ۱۳۷.

^{۱۹} دایرة المعارف دموکراسی، پیشین، ص ۷۶۵.

۲) شفاف سازی دولت: مردم برای اینکه بتوانند آگاهانه در اداره عمومی شرکت کنند نیاز دارند که از عملکرد دولت آگاه شوند و این امر از طریق دسترسی مردم به اسناد و مدارک دولتی محقق می شود. در صورتی مردم می توانند نسبت به عملکرد دولت عکس العمل مناسبی داشته باشند که از برنامه ها، فرآیندها و دلایل اتخاذ یک تصمیم توسط دولت آگاه باشند.^{۲۰}

۳) آزادی اطلاعات^{۲۱}

آزادی اطلاعات اصطلاحی است که برای دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی به کار می رود. آزادی اطلاعات در بسیاری از کشورها به عنوان یک حق شناسایی شده است و به موجب این حق مردم می توانند به اطلاعاتی که در مؤسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می شوند دسترسی داشته باشند و آن مؤسسه تنها بر مبنای دلایل احصا شده و مشخص می تواند در خواست افراد را برای دسترسی به اطلاعات رد کند.^{۲۲}

در مورد ارتباط حق آزادی اطلاعات و حق آزادی بیان باید گفت که به هر حال انسان برای داشتن عقیده نیاز به اطلاعات دارد. این عقیده می تواند یک عقیده مذهبی، فلسفی و یا عقیده ای سیاسی باشد. تا اینجا آزادی اطلاعات با آزادی بیان ارتباطی نزدیک دارد و بخشی از آن است اما دو تفاوت عمده بین آزادی اطلاعات و آزادی بیان وجود دارد که عبارتند از:

۱) از طرف دیگر می توان گفت که دایره حق آزادی اطلاعات فراتر از آزادی بیان است زیرا حق آزادی بیان به عنوان یک حق مدنی و سیاسی مختص افراد انسانی است در حالی که حق آزادی اطلاعات شامل مطبوعات نیز می شود و آنها نیز مانند شهروندان از حق دسترسی به اطلاعات و اسناد دولتی برخوردارند.

۲) حق جستجو دریافت اطلاعات که از حق آزادی بیان ناشی می شود تمام انواع اطلاعات را در بر می گیرد، اما در آزادی اطلاعات منظور از «اطلاعات» تمام سوابق، اسناد و مدارکی است که صرف نظر از شکل ذخیره و نگهداری (سند، نوار، ضبط الکترونیکی و غیره) و صرف نظر از اینکه منبع تولید کننده آن و صرف نظر از تاریخ تولید در یک واحد دولتی نگهداری می شود.^{۲۳}

نهاد های موضوع حق اطلاعات عبارتند از:

الف) مؤسسات و نهادهای دولتی که این نهادها شامل صنایع ملی و مؤسساتی که از بودجه دولتی استفاده می کنند نیز می شود.

ب) مؤسسات و سازمان های خصوصی در صورتی که به دلیل تفویض اختیار از جانب دولت یا هر دلیل دیگری ارائه دهنده خدمات عمومی باشند. علاوه بر این در صورتیکه افشای اطلاعاتی که در اختیار مؤسسات خصوصی است بتواند در پیشگیری از ورود لطمه به منافع عمومی یا در کاهش خطر صدمه به نافع عمومی کمک کند (برای مثال در مسائل محیط زیستی) مشمول آزادی اطلاعات می شوند.^{۲۴}

البته برخی از قوانین آزادی اطلاعات بسیار جلو تر رفته اند برای مثال کمیسیون آفریقایی حقوق مردم در سی و دومین جلسه خود در سال ۲۰۰۴ اعلامیه ای در مورد اصول آزادی بیان تصویب کرده است. این اعلامیه در ماده ۴ خود بیان داشته است: هر کس حق

²⁰ Toby Mendel, *The Public's Right to Know: Principles on Freedom of Information Legislation*, Article 19, London, 1999, Preface, aa:www.article 19.org/.

²¹ Freedom of information

²² Toby Mendel, op.cit.

²³ Toby Mendel, op.cit.

²⁴ Ibid.

دسترسی به اطلاعاتی را که در دست نهادهای خصوصی است دارد، در صورتی که این اطلاعات برای اعمال حمایت از هر یک از حقوق ضروری باشند.^{۲۵}

وسعت پیدا کردن حق اطلاعات به اطلاعات نهاد های خصوصی در ماده ۳۲ قانون اساسی آفریقای جنوبی نیز به چشم می خورد آنجا که می گوید: هر کس حق دسترسی به اطلاعاتی را که در دست دیگری است دارد، در صورتی که این اطلاعات برای حمایت یا اجرای یک حق ضروری باشند.^{۲۶}

۴. آزادی اطلاعات و دسترسی به دانش

همیشه در سراسر جهان دولتها یکی از حامیان بزرگ انجام تحقیقات علمی و پژوهشی هستند و بودجه های کلانی را به این اهداف اختصاص می دهند. از این رو بسیاری از پژوهشهای علمی و فنی توسط مؤسسات دولتی انجام می شوند یا با کمک مالی مستقیم و غیر مستقیم دولت به مؤسسات خصوصی انجام می شوند. بر این اساس بخشی از اطلاعات و اسناد و مدارک دولتی اطلاعات و داده های ارزشمند علمی و فنی هستند.

بنابراین تأمین حق آزادی اطلاعات مستلزم فراهم بودن امکان دسترسی دانشمندان به این اطلاعات نیز می شود که نتیجه آن رشد دانش در جوامع می باشد. از این رو امروزه در کشورهای مختلف زمینه های فنی و قانونی مناسب برای تأمین دسترسی عمومی به داده ها، اطلاعات و نتایج ناشی از تحقیقات صورت گرفته با بودجه دولتی فراهم شده است. برای مثال در آمریکا پروژه های تحقیقاتی دولتی در یک مخزن عمومی به طور باز به اشتراک گذاشته می شوند. از طرف دیگر این گونه اطلاعات از طریق مالکیت فکری حمایت نمی شوند زیرا متعلق به حوزه عمومی هستند.^{۲۷}

اصطلاح حوزه عمومی در حقوق به معنای منابعی از داده ها و اطلاعاتی است که مقررات حقوق مالکیت فکری و یا رژیم های حقوقی دیگر استفاده از آنها را محدود نمی کنند و در نتیجه عموم می توانند بدون نیاز به گرفتن مجوز از آنها بهره مند شوند.^{۲۸} داده ها و اطلاعاتی که داخل در تعریف حوزه عمومی هستند به دو گروه قابل تفکیک هستند:

(۱) اطلاعاتی که توسط حقوق مالکیت فکری و یا سایر محدودیت ها حمایت نمی شوند. این نوع داده ها و اطلاعات خود به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) اطلاعاتی که حقوق مالکیت فکری به دلیل ماهیت خاص منبع تولید کننده آنها نمی تواند آنها را تحت پوشش خود در آورد و از آنها حمایت کند. مانند اطلاعات تولید شده توسط بخش دولتی و یا تولید شده با هزینه و کمک های مالی دولتی.

²⁵ Declaration of Principles on Freedom of Expression in Africa, African Commission on Human and Peoples' Rights, 2002, article IV.

²⁶ Toby Mendel, **freedom of information: a comparative legal survey**, Macro Graphics Pvt. Ltd., 2003, p.70.

²⁷ **THE Role OF Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain**: Proceeding of a Symposium, Steering Committee on the Role of Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain Office of International Scientific and Technical Information Programs National Academies Press Washington, D.C, 2003, aa:www.nap.edu/catalog/10785.html, pp.3-9

²⁸ Ibid.

ب) اطلاعاتی که قابلیت حمایت شدن توسط حقوق مالکیت فکری را دارند اما به علت سپری شدن مدت حمایت وارد در حوزه عمومی شده اند. برای مثال در ایران دوره حمایت از حقوق مؤلفان ۳۰ سال بعد از حیات مولف می باشد که بعد از سپری شدن این مدت اثر وارد حوزه عمومی می شود.

ج) اجزاء غیر قابل حمایت از یک اثری که تحت حمایت حقوق مالکیت فکری قرار می گیرد. برای مثال ایده تولید یک اثر برخلاف خود اثر قابل حمایت شدن توسط مالکیت فکری نیست.

۲) اطلاعاتی که از قابلیت حمایت شدن توسط حقوق مالکیت فکری برخوردارند اما بر اساس مقررات از حمایت خارج شده اند، مانند استفاده از آثار تحت حمایت حقوق مؤلفین برای اهداف آموزشی به موجب قانون بلامانع است و نیاز به گرفتن مجوز از صاحب اثر ندارد.

نتایج حاصل از تحقیقات و پروژه های دولتی در دسته اول بند الف قرار می گیرند و جزو حوزه عمومی هستند و باید در دسترس عموم باشند. برای اثبات این گزاره می توان دلایل زیر را ارائه داد:

۱) واحد های حکومتی بر خلاف مؤلفان و سرمایه گذاران و ناشران بخش خصوصی نیازی به آن ندارند که با اعطای حقوق مالکانه به داده ها و اطلاعاتی که توسط آنها تولید می شود انگیزه لازم برای ادامه فعالیت خود داشته باشند. زیرا آنها وظایف خود را در خصوص جمع آوری داده ها و اطلاعات پژوهشی، بر اساس صلاحیت خود و تکلیفی که در خصوص ارائه خدمات عمومی بر عهده دارند انجام می دهند و نه با انگیزه دستیابی به مالکیت فکری.

۲) در مورد اطلاعاتی که توسط دولت تهیه می شود هزینه های لازم قبلاً به وسیله مالیات دهندگان یعنی مردم پرداخت شده است. لذا می توان ادعا کرد که حقوق ناشی از آن اطلاعات به شهروندانی تعلق می گیرد که هزینه های تولید آنها را پرداخت کرده اند.

۳) با انتشار و اشاعه داده ها و اطلاعات حکومتی از طریق اینترنت، منافع زیادی نظیر رفاه اجتماعی و تحقق ارزشهای آموزشی، فرهنگی تأمین می شوند که فراتر از منافع اقتصادی است که از اعمال حمایت های مالکیت فکری ناشی می شود.

۵. نتیجه گیری

حق بشری مشارکت در اداره امور عمومی مستلزم داشتن آگاهی است و برای داشتن آگاهی لازم است که مردم بتواند آزادانه به اطلاعات دولتی دسترسی داشته باشند. دسترسی به اطلاعات و اسناد مدارک دولتی به عنوان یک ابزار برای تحقق دموکراسی و شفافیت دولت در عرصه علم و دانش نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا بخش عمده ای از فعالیت های علمی در هر جامعه از سوی دستگاه های دولتی و یا با کمک دولت انجام می گیرد که دسترسی به آنها به معنای دسترسی به منبع با ارزشی برای رشد علم و دانش می باشد. در کشور ما نیز دانشگاه ها، مراکز و مؤسسات وابسته به دانشگاه ها، وزارتخانه های صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از جمله مهمترین مؤسسات عمومی هستند که حجم انبوهی از داده ها، تحلیل ها و نتایج و گزارش های پژوهشی در آنها موجود است.

علاوه بر این اطلاعات علمی حاصل از اقدامات دولتی داخل در حوزه عمومی هستند و مالکیت فکری نمی تواند دسترسی به آن را برای دانشمندان و محققان محدود کند. در حق آزادی اطلاعات متقاضی اطلاعات مکلف به توجیه اقدام خود برای دسترسی به

اطلاعات نیست. محدودیت قابل اعمال در مورد این اطلاعات علمی از نوع همان محدودیت هایی است که می توان برای دسترسی مردم به سایر اسناد و مدارک دولتی قائل شد که برخی از آنها عبارتند از: احترام به زندگی خصوصی افراد، محرمانه بودن اطلاعات، امنیت عمومی، جلوگیری از انحراف تحقیقات راجع به جرایم. مؤسسات عمومی باید اطلاعات در خواستی را به متقاضی بدهند مگر آنکه متوجه شوند اطلاعات درخواست شده در قلمرو نظام محدود استثناها قرار دارند. از این رو استثناها باید به صورت روشن و صریح در قانون پیش بینی شوند.^{۲۹}

بند دوم: دسترسی به دانش لازمه تحقق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی

حقوقی از قبیل حق بهره مندی ای از آموزش و پرورش، حق بهره مندی از غذای کافی، حق بهره مندی از مسکن مناسب و مراقبت های بهداشتی مثال هایی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. زمینه ظهور این حقوق را باید ظلم و بیاد ثروتمندان قدرتمند بر طبقه ضعیف و فقیر جامعه و استثمار کارگران توسط سرمایه داران دانست. در اوایل قرن بیستم با اعلان این حقوق از دولت خواسته شد تا برای حمایت از افراد ضعیف تر جامعه در برابر بی عدالتی های ناشی از رشد سرمایه داری دست به اقدامات حمایتی بزند.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه حقوق مدنی سیاسی برای حفظ کرامت انسان مهم و ضروری هستند. برای مثال تحقق حق بر حیات به عنوان یک حق مدنی سیاسی در گرو داشتن تغذیه مناسب و مراقبت های بهداشتی است.^{۳۰}

تحقق این حقوق نیازمند به فراهم بودن امکانات خاصی است که دولتهای مختلف با توانایی های اقتصادی مختلف در سطوح متفاوتی می توانند برای تحقق این حقوق اقدام کنند. از این رو بنا به ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دولتها موظف شده اند که در یک سیر تکاملی تلاش خود را برای بهبود شرایط و امکانات لازم برای تحقق این حقوق به کار ببرند به نحوی که اعمال کامل این حقوق ممکن شود. هیچ دولتی نمی تواند به بهانه عدم وجود امکانات از انجام تعهدات حقوق بشری خود سر باز زند.^{۳۱}

حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوق بشر تعهداتی همگانی را بر دولت ها بار می کنند یعنی دولت در ایفای تعهدات خود نسبت به تمام بشریت باید پاسخگو باشند. اقدامات دولتها در حوزه داخلی برای تحقق این حقوق نباید منجر به نقض حقوق بشر در سایر کشورها بشود مثلاً اقدامات یک کشور برای رسیدن به توسعه اقتصادی و صنعتی نباید برای محیط زیست سایر کشورها آثار زیانباری داشته باشد. دولتها بر اساس بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی متعهد به همکاری های فنی با هم در جهت تحقق این حقوق هستند. در ادامه بیشتر به رابطه نسل دوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی) با دسترسی به دانش و تعهدات دولتها در این حوزه می پردازیم.

الف) حق مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به دانش

۱. حق مشارکت در زندگی فرهنگی

²⁹ Role OF Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain, op.cit, p.158.

³⁰ Jack Donnelly, *International Human Rights*, London, Westview Press, 1993, pp.19-38.

³¹ See Committee on Economic Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No.12.

حق مشارکت در زندگی فرهنگی در اسناد بین المللی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است بر اساس بند ۱ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق دارد "آزادانه" در زندگی اجتماعی شرکت کند. بعد ها این حق در میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز مورد شناسایی قرار گرفت، ماده ۱۵ میثاق می گوید: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می شناسند: الف) شرکت در زندگی فرهنگی...»

در توصیه نامه یونسکو در مورد مشارکت در حیات فرهنگی با مفهوم وسیعی از فرهنگ روبه رو هستیم. در این توصیه نامه آمده است که فرهنگ صرفاً انباشتی از آثار و دانشی که طبقه ای از نخبگان تولید، جمع آوری و حفظ کرده اند و در اختیار دیگران قرار می دهند نیست و نیز محدود به آثار هنری و علوم انسانی نمی گردد.^{۳۲}

برخی نیز حیات فرهنگی را هر چیزی دانسته اند که جامعه بشری را از جمع حیوانات جدا می کند. از این نظر آزادی بیان، آزادی دین، آزادی تشکل، حق تعیین سرنوشت، حق آموزش، حق دسترسی به اطلاعات، حق انتخاب هویت و حق استفاده از زبان انتخابی خود همگی تحت عنوان حقوق فرهنگی قرار می گیرند.^{۳۳}

بنابراین حق مشارکت در حیات فرهنگی شامل مشارکت در تمام دستاوردهای زندگی بشری است که عبارتند از علم، هنر، ادبیات، علوم انسانی و غیره و ... دانش بشری نیز در معنای وسیع فرهنگ از جایگاه خاصی برخوردار است. مشارکت در فرهنگ در دو بعد خود را نشان می دهد.

۱. مشارکت در فرهنگ به معنای نقش داشتن در تولید آثار جدید و گسترش فرهنگ

۲. مشارکت در فرهنگ به معنای بهره مندی از آنچه که دیگران تولید و عرضه کرده اند.

که به توضیح هر یک می پردازیم:

اول: مشارکت به عنوان تولید کننده

با توجه به آنچه در توصیه نامه یونسکو آمده منظور از "مشارکت در حیات فرهنگی" فرصت های عینی ای است که در اختیار همگان قرار می گیرند، تا به این وسیله افراد بتوانند آزادانه مکانات خویش را ابراز دارند، ارتباط برقرار سازند و با هدف توسعه کامل شخصیت خود و پیشرفت فرهنگی جامعه به فعالیت های خلاق دست بزنند.^{۳۴}

یکی از فرصت های عینی ای که باید در اختیار همه قرار داشته باشد دسترسی آزاد و برابر به دانش بشری است. در بند ۲ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نیز بر این امر تاکید گردیده که حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ لازمه تحقق حق مشارکت در زندگی فرهنگی است. روشن است که حفظ و توسعه علم نیز زمانی محقق می شود که در محیطی باز در دسترسی دانشمندان باشد.

در متن ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر بیان شده است که: «هر کس حق دارد "آزادانه" در زندگی فرهنگی اجتماعی شرکت کند.» در زمان پیش نویسی اعلامیه کلمه "آزادانه" بنا به پیشنهاد نماینده کشور پرو به ماده اضافه شد استدلال او این بود که عبارت «هر

³² UNESCO Recommendation on Participation by the People at large in Cultural life and Their Contribution to It, 1976.

³³ Ragnar Adasteinsson, Pall Tborballson, "article27 in "The Universal Declaration of Human Rights: A Common Standard of achievement", Gudmundur Alfredsson, Asbjørn Eide, Martinus Nijhoff Publishers, 1999, p.575.

³⁴ UNESCO Recommendation on participation by the people at large in cultural life and their contribution to it, 1976.

کس حق دارد در زندگی فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی مشارکت کند» کافی نیست، بلکه علاوه بر آن وجود سطحی از آزادی ای که بدون آن هیچ خلاقیت با ارزشی از انسان سر نمی زند نیز برای تحقق مشارکت ضروری است.^{۳۵}

برای اینکه بتوان به عنوان یک تولید کننده در امر فرهنگ مشارکت کرد باید فضایی وجود داشته باشد که در آن آزادی لازم برای بروز خلاقیت تأمین شود. آزادی دسترسی به دانش از پایه های فضای آزاد خلاقیت پروراست.

دوم: مشارکت در فرهنگ به معنای بهره مندی از تولید دیگران:

این بعد از مشارکت در فرهنگ بنا به آنچه که در توصیه نامه یونسکو آمده شامل فرصت های عینی و ملموسی است که به طور خاص با ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسب در اختیار همگان قرار دارد تا آزادانه به کسب اطلاعات آموزشی، عملی، دانش و فهم و برخورداری از ارزشهای فرهنگی و اموال فرهنگی بپردازند.^{۳۶} با توجه به آنچه که در ادامه بند ۱ ماده ۱۵ میثاق ح. ۱، ۱.۱. ف آمده شرکت در زندگی فرهنگی با بهره مند شدن از پیشرفت های علمی و منافع آن دارای تلازم است.

ب) حق بهره مندی از منافع پیشرفت های علمی و کاربرد آن و دسترسی به دانش

۱. حق بهره مندی از منافع پیشرفت های علمی و کاربرد آن

پیشرفت علم و دانش نتیجه سیر تاریخی زندگی بشری است که با به بارنشستن شگرف خود در تاریخ معاصر، برای زندگی بشر دستاوردهای عظیمی را به همراه داشته است و به ارتقاء سطح زندگی بشر انجامیده است. در اسناد حقوق بشر حق هر انسانی در بهره مندی از منافع علمی و کاربردهای آن مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر می گوید: « هر کس حق دارد ۱- از فنون و هنرها منتفع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهمیم باشد». ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی می گوید: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می شناسد... ب) بهره مند شدن از پیشرفت های علمی و کاربردهای آن...».

در ماده ۲۷ اعلامیه علاوه بر "حق سهمیم شدن در منافع پیشرفت های علمی" از "سهمیم شدن در پیشرفت های علمی" نیز صحبت شده است که در نگاه اول ممکن است با آنچه در متن ماده ۱۵ میثاق ح. ۱، ۱.۱. ف آمده متفاوت به نظر برسد اما در واقع تفاوتی وجود ندارد. زیرا حق بهره مندی از منافع حاصله از پیشرفت های علمی و کاربردهای آن در دو حوزه بهره مندی از پیشرفت های علمی به عنوان یک فرد فعال و بهره مندی از منافع پیشرفت های علمی به عنوان یک فرد منفعل مطرح می باشد که در ادامه به توضیح آنها می پردازیم.

۱.۱. حق سهمیم شدن در پیشرفت های علمی (به نحو فعال)

³⁵ Johannes Morsink, the **Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting and Intent**, University of Pennsylvania Press, 1999, p.219.

³⁶ UNESCO Recommendation on participation by the people at large in cultural life and their contribution to it, 1976

تأمین حق بشری سهم شدن در پیشرفت های علمی نیاز به بستر سازی مناسب دارد. افراد زمانی می توانند در پیشرفت علم سهم داشته باشند که دو شرط فراهم باشد: ۱. آزادی لازم برای خلاقیت وجود داشته باشد. ۲. امکانات آموزشی و اطلاعاتی لازم مهیا باشند. بنابراین دسترسی به دانش به منظور مشارکت داشتن در توسعه علم و دانش، لازمه تحقق این حق بشری است. زیرا هم آزادی لازم برای خلاقیت و هم فراهم بودن امکانات آموزشی و دسترسی به اطلاعات مستلزم آن است که در جهان بر سر راه دسترسی به دانش و دستاورد های آن مانعی وجود نداشته باشد.

• آزادی لازم برای خلاقیت

گفته شد که آزادی لازم برای خلاقیت برای تأمین حق مشارکت در زندگی فرهنگی لازم است. در بحث های مربوط به پیش نویسی ماده ۲۷ اعلامیه به لزوم وجود یک فضای آزاد برای بروز خلاقیت تاکید شده است. بند ۳ ماده ۱۵ میثاق ح.ا.ا.ف کشورها رامتعهد می کند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت های خلاقه را محترم شمارند. علاوه بر مشارکت در زندگی فرهنگی این نوع آزادی برای سهم شدن در پیشرفت های علمی نیز لازم است. در سایه این آزادی است که ذهن خلاق مواد خام اندیشیدن را به دست می آورد و با تولید ایده های جدید تر به پیشرفت دانش بشری کمک می کند. با درک این حقیقت است که کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی از دولت های عضو خواسته است که از اقدامات اداری و حقوقی که برای احترام و حمایت از آزادی لازم برای تحقیق علمی و فعالیت خلاق طراحی کرده اند گزارشی به کمیته ارائه بدهند و به ویژه در مورد امور ذیر اطلاعاتی جهت بررسی در اختیار کمیته قرار دهند:

الف) اقدامات مربوط به افزایش سطح بهره مندی از این آزادی، همچون ایجاد کلیه شرایط ضروری برای تحقیق علمی و فعالیت های خلاقانه.

ب) اقدامات مربوط به تضمین آزادی تبادل اطلاعات علمی، فنی، فرهنگی و همچنین دیدگاهها و تجربیات میان دانشمندان، نویسندگان، کارآفرینان خلاق، هنرمندان و سایر افراد مبتکر و نهادهای مربوطه.

ج) اقداماتی که برای حمایت از انجمن های علمی، آکادمی های علوم، انجمن های حرفه ای اتحادیه های کارگری و سایر سازمان ها و نهادهایی که در زمینه تحقیقات علمی و فعالیت های خلاق، صورت گرفته است.^{۳۷}

از آنجایی که تعهدات حقوق بشری فراگیر هستند دولتها در قبال مردم سایر کشورها نیز مسئول هستند. برخی از اقدامات دولتها مانند ممانعت از ادامه تحصیل اتباع کشورهای دیگر و یا ورود و خروج دانشمندان برای تبادل آزادانه اطلاعات علمی و فنی موانع جدی را ایجاد می کند. علاوه براین میتوان گفت قواعد سختگیرانه مالکیت معنوی که امکان بهره مندی آزادانه از دستاوردهای علمی جدید را از بین می برد، با تعهد دولتها مبنی بر تسهیل انجام فعالیت های علمی و تحقیقاتی مغایرت دارد.

۱.۲. بهره مندی از منافع ناشی از پیشرفتهای علمی (به نحو منفعل)

در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً حق بهره مندی از فواید پیشرفت های علمی ذکر گردیده است و در بند ۱ ماده ۱۵ میثاق ح.ا.ا.ف نیز این حق مورد تاکید قرار گرفته است. در زمان تدوین ماده ۲۷ اعلامیه کلمه "منافع" از متن پیش نویس ارائه شده بدون هیچ دلیل قانع کننده ای حذف گردیده بود. اما با پیشنهاد نمایندگان در مرحله بعدی پیشنویسی اعلامیه این کلمه دوباره به متن اضافه شد.

³⁷ CESCR revised general guid lines regarding the form and content of reports to be submitted by states partis under articles 16 and 17 of the international convention on ESCR.

پیشنهاد ارائه شده در بردارنده این عبارت بود: «هر کس حق دارد در منافع ناشی از پیشرفت های علمی سهیم باشد» و این پیشنهاد مورد قبول واقع شد. در حمایت از این عبارت گفته شد که همه افراد از آن سطح از استعداد و توانایی برخوردار نیستند که در توسعه و پیشرفت علم نقشی سازنده ایفا کنند اما این افراد هم باید بتوانند بدون هیچ مانعی در منافع ناشی از پیشرفت های علمی سهیم باشند.^{۳۸}

می توان گفت درج این عبارت در میثاق ناشی از اعتقاد راسخ به این امر است که علم متعلق به هیچ کس نیست و همه به طور برابر در آن سهیم هستند. چه به عنوان بهره مندی از منافع چه به عنوان کسی که در پیشرفت آن سهیم است. از همین رو نماینده فرانسه در جریان تدوین ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر گفت: «حتی اگر همه افراد نتوانند نقش برابری در پیشرفت علمی داشته باشند اما باید بدون چون و چرا توانایی مشارکت در منافع ناشی از آن را داشته باشند».^{۳۹}

۲. تأمین حق بهره مندی از منافع ناشی از پیشرفت های علم

روشن است که حق بهره مندی از منافع ناشی از پیشرفتهای علمی با دسترسی آزادانه به دانش رابطه تنگاتنگی دارد. زیرا یک انسان چه به عنوان یک دانشمند و خلاق و چه به عنوان یک فرد استفاده کننده از یافته ها، تولیدات و نوآوری های دیگران نیاز دارد که به منابع دانش و علم دسترسی داشته باشد. تعهد دولتها بر جلوگیری از ایجاد مانع و رفع موانع این دسترسی است. در جریان تدوین ماده ۲۷ اعلامیه نماینده یونسکو گفت: برخورداری از منافع ناشی از پیشرفت های علمی شامل انتشار دانش علمی نیز می باشد. مخصوصاً دانشی که برای روشن کردن ذهن انسان و مبارزه با تعصب، تاثیرات هماهنگ بر دولت ها و برای بالا بردن استانداردهای زندگی بهترین ابزار را ارائه می دهد.

تضمین کاربرد پیشرفت های علمی در جهت منافع عمومی، حفظ میراث بشری، توسعه محیط زیست سالم و پاک، ایجاد زیرساخت های گسترش اطلاعات مربوط به پیشرفت علمی، جلوگیری از استفاده از پیشرفت علمی و فنی برای مقاصدی که با بهره مندی از تمام حقوق بشری از جمله حق حیات و بهداشت منافات دارند.^{۴۰}

حق بهره مندی از پیشرفت های علمی در صورتی محقق می شود که در سایه تبادل و دسترسی آزادانه به دانش این پیشرفت ها ادامه یابند و متناسب با نیازهای تمام بشریت راه حل های مناسب ارائه شوند. تنها در این صورت است که همه مردم جهان بدون تبعیض از لحاظ ملیت و قومیت ویا توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی از این پیشرفتهای بهره مند می گردند. اگر دانش در یک قلمرو جغرافیایی محصور باشد. کسانی که خود را مالک دانش می دانند به نیاز های سایر مردم جهان اهمیتی نمی دهند و این کوتاه نظری منجر به انحصار دانش، بخش اعظمی از جهان را از نعمت بهره مندی از پیشرفتهای علمی محروم می کند.

ج) حق آموزش و دسترسی به دانش

۱. حق بر آموزش

به موجب ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ماده ۲۸ کنواسیون حقوق کودک حق بر آموزشی یک حق بشری است که در نظام حقوق بشر از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا هم خود از حقوق

³⁸ Johannes Morsink, op.cit., p.220

³⁹ Johannes Morsink, op.cit, p.219

⁴⁰ CESCR revised general guid lines regarding the form and content of reports to be submitted by states partis under articles 16 and 17 of the international convention on ESCR.

اساسی بشری است و هم آنکه برای تحقق سایر حقوق بشر، تأمین حق آموزش ضروری است. زیرا آموزش به افراد آگاهی می بخشد و شخص آگاه از حقوق خویش، برای به دست آوردن آنها تلاش می کند.

از میان دو سطح آموزشی ابتدایی-متوسطه و آموزش عالی، نقش دسترسی به دانش جدید و دستاوردهای علمی برای ادامه حیات علمی در حوزه آموزش عالی پر رنگ تر است. آموزش عالی به عنوان یکی از پایه های حق آموزش در اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. اعلامیه حقوق بشر بر فراهم بودن آموزش عالی برای همه به طور مساوی به عنوان یک حق بشری تأکید می کند.^{۴۱}

۱. آموزش عالی و دسترسی به دانش

از آنچه تا بحال در مورد دانش گفته شد در مورد ارتباط بین دانش و آموزش می توان گفت:

(۱) دانش جهانی است و بخش از میراث مشترک بشریت است،

(۲) اما توسعه و حفظ دانش مستلزم آن است که افراد در سراسر جهان در توسعه آن نقش داشته باشند،

(۳) از طرفی افراد داری تحصیلات عالی و به روز می توانند در توسعه دانش نقش آفرینی کنند و راه جدیدی را برای بهتر شدن زندگی بشر بیابند.

(۴) این مهم نیز از طریق دسترسی وسیع به منابع آموزشی در سطح جهانی محقق می شود. دسترسی به منابع از طرق مختلفی مانند انتقال دانشجو، دسترسی به اساتید و تحقیقات جدید امکان پذیر است.^{۴۲}

بنا بر این می توان این گونه نتیجه گرفت که یک رابطه دو طرفه بین حق آموزش و دسترسی آزادانه به دانش وجود دارد. از یک طرف دانش برای رشد خود به افراد آموزش دیده نیاز دارد و از طرف دیگر برای تحقق آموزشی مفید و ارزشمند باید امکان دسترسی آزادانه به دانش فراهم باشد. در بیان ضرورت دسترسی آزادانه به دانش برای آموزش عالی فقط به بحث آزادی آکادمیک می پردازیم.

• آزادی آکادمیک^{۴۳} و موانع آن

آزادی آکادمیک به این معناست که اعضای جامعه علمی به صورت فردی یا گروهی در دنبال کردن دانش، افکار، و گسترش و انتقال آنها آزاد باشند. این آزادی باید در حوزه های مختلفی مانند تحقیقات، آموزش، مطالعه، گفتگو، تولید محصول، خلاقیت و نوآوری وجود داشته باشد.^{۴۴} در سال ۲۰۰۵ به دعوت دبیر کل وقت سازمان ملل کوفی عنان اولین کنفرانس جهانی رؤساء دانشگاه های جهان تشکیل شد. در این کنفرانس رؤساء و استادان از بیش از ۴۰ دانشگاه گرد هم آمدند. در این کنفرانس آزادی آکادمیک چنین تعرف شد: «آزادی آکادمیک عبارت است از آزادی در انجام تحقیقات، آموزش و بیان در جهت دستیابی به حقیقت و آگاهی بدون هیچ گونه مداخله خارجی و بر طبق قواعد و استانداردهایی که اقتضای دانشمند بودن است.»^{۴۵}

^{۴۱} اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶، بند ۱.

^{۴۲} UNESCO Recommendation on the Recognition of Studies and Qualification in Higher Education, UNESCO General Conference, UNESCO, Paris, 1993.

^{۴۳} Academic Freedom

^{۴۴} CESCR, General comment no.13, paragraph 13.

^{۴۵} Statement on Academic Freedom, Report of the First Global Colloquium of University Presidents, held at Columbia university, January 18-19, 2005.

برای تحقق آزادی آکادمیک زمینه ها و شرایط مختلفی باید محقق شود. یکی از مواردی که برای پیگیری آزادانه فعالیت های علمی ضروری است دسترسی آزادانه به منابع دانش است. در صورتی که دستاوردهای جدید دانش در دسترس دانشمندان نباشد امکان انجام آزادانه فعالیت ها و تحقیقات آکادمیک وجود ندارد. بنابراین آزادی آکادمیک مستلزم آن است که دانش در درجه اول به عنوان یک کالای عمومی دیده شود و نه کالای خصوصی.^{۴۶}

در مورد قواعد مالکیت معنوی هر چند که به موجب حق ثبت اختراع^{۴۷} و حق مؤلف^{۴۸} محدودیت هایی برای دسترسی به دانش وجود دارند. اما در نظام مالکیت فکری آنچه بیش از همه مانعی جدی برای دسترسی به دانش محسوب می شود نهاد اسرار تجاری است. بحث دیگری که باعث ایجاد محدودیت برای دسترسی به دانش در حوزه آکادمیک می شود مسائل مربوط به امنیت می باشند. در جای خود به این موانع پرداخته خواهد شد اما به طور خلاصه در اینجا نیز به موضوعات تجاری شدن تحقیقات علمی و ارتباط دادن علم با مسائل امنیتی اشاره ای می شود.

اول) تجاری شدن تحقیقات علمی

منافع تجاری مستلزم آن است که نتایج تحقیقات فاش نشوند و به صورت اسرار تجاری مورد حمایت قرار گیرند که در نتیجه با ایجاد مانع بر سر راه انتقال اطلاعات و دانش امکان آگاهی پیدا کردن دیگران از این دانش جدید، آزمایش ارزیابی و بررسی صحت و سقم آن وجود ندارد. به این ترتیب آزادی آکادمیک دچار خدشه می شود و با خدشه دار شدن آزادی آکادمیک در حوزه آموزش عالی حق آموزش نقض می شود و از طرف دیگر توسعه دانش بشری نیز با مانع رو به رو می شود.

دوم) ارتباط دادن علم با مسائل امنیتی

آزادی آکادمیک امروزه به بهانه های مختلف امنیتی نادیده گرفته می شود و دولتها با اینگونه اقدامات مانع انتشار دانش در جهان می شوند. از جمله آنکه از مسافرت دانشمندان و شرکت آنها در کنفرانس های علمی جلوگیری می شود یا به دلایل سیاسی برای انجام برخی تحقیقات علمی مانع تراشی می کنند.

د) حق سلامت و دسترسی به دانش

حق سلامت در اسناد مختلفی حقوق بشری به عنوان یک حق بنیادین بشری مطرح شده است. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر سلامتی، رفاه و مراقبت های پزشکی را به عنوان موضوعات داخل بحث استانداردهای کافی برای زندگی معرفی می کند. اساسنامه سازمان جهانی بهداشت بهره مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی را یکی از حقوق بنیادین دانسته است که برای دستیابی به سطح امنیت اهمیت اساسی دارد.^{۴۹} تأمین حق بر سلامتی رابطه تنگاتنگی با سایر حق های بشری دارد و به تحقق آنها وابسته است. حق های مرتبط با سلامتی عبارتند از حق غذا، حق مسکن، حق شغل، حق حیات، عدم تبعیض، ممنوعیت شکنجه، حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات و...^{۵۰}

کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی در تلاش برای مشخص کردن قلمرو حق سلامت به عنوان حقی که دارای ابعاد مختلفی است تعهدات محوری دولت ها نسبت به حق سلامت را عبارت می داند از:

⁴⁶ Academic freedom in 21th century, the AFT(American federation of teachers),statement on Academic Freedom, 2007,p.25 .

⁴⁷ patent

⁴⁸ copy right

⁵⁰ CESCR, general comment no.14.

^{۴۹} اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۴۶

۱) فراهم کردن امکان دسترسی به امکانات، کالاها و خدمات مربوط به سلامت بدون تبعیض،

۲) فراهم کردن امکان دسترسی به حداقل غذای ضروری ای که از نظر تغذیه ای کافی و سالم باشد و همه از گرسنگی رهایی پیدا کنند،

۳) فراهم کردن امکان دسترسی به مسکن و آب آشامیدنی سالم،

۴) فراهم کردن داروهای ضروری،

۵. توزیع برابر همه امکانات کالاها و خدمات مربوط به سلامت،

۶) اتخاذ و اجرای یک استراتژی ملی و برنامه اجرایی برای سلامت،^{۵۱}

علاوه بر این موارد ماده ۲۴ کنواسیون حقوق کودک زمانی که از مسئولیت های دولت ها در قبال حق سلامت را نام می برد به توسعه مراقبت های بهداشتی پیشگیرانه اشاره می کند.

۲. تأمین حق سلامت

طبق بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی دولت های عضو موظف هستند که با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق اقدام کنند و در این راه کشورهای توانا تر موظف به ارائه کمک های اقتصادی و تکنولوژیکی به کشورهای کم توان تر هستند از ارتباط این ماده و ماده ۱۱ میثاق در مورد حق سلامت می توان اینگونه نتیجه گرفت:

۱. تعهد دولت ها نسبت به اتخاذ اقدامات مقتضی تعهدی است مطلق و دولت ها نمی توانند به بهانه کافی نبودن منابع و امکانات در راه تحقق حق سلامت از انجام اقدامات لازم خود داری کنند. هدف تحقق کامل حق سلامت است که همه دولت ها موظف به حرکت در این مسیرند حال میزان و حجم اقدامات هر کشور بستگی به وسع او دارد. کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی در نظریه عمومی شماره ۱۴ تعهد دولت ها را یک تعهد ادامه دار خوانده است، تعهد ادامه دار به معنای حرکت در مسیری است که مقصد آن تحقق کامل حق سلامت است.^{۵۲}

۲. همکاری بین المللی در جهت توسعه و تحقق کامل حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی وظیفه همه دولت هاست. مهمترین حوزه برای این همکاری، همکاریهای اقتصادی و تکنولوژیکی است. از این رو می توان نتیجه گرفت که منظور از منابع موجود فقط منابع داخل کشور نیست بلکه شامل منابع قابل دسترسی موجود در جامعه بین المللی نیز می باشد که از طریق همکاری و مساعدت بین المللی حاصل می شوند.^{۵۳}

۳. دانش مربوط به سلامت

کمیته حقوق اقتصاد و اجتماعی فرهنگی در نظریه عمومی شماره ۱۴ برای حق سلامت عناصر اساسی و به هم پیوسته ای را قائل شده است که بدون تحقق آنها حق سلامت نیز محقق نمی شود. این عناصر عبارتند از اینکه امکانات کالاها و خدمات پزشکی و

⁵¹ Ibid paragraph 34

⁵² CESCR, general comment no 14, paragraph 30-31.

⁵³ Ibid, paragraph 13.

دارویی باید: ۱) فراهم، ۲) در دسترس، ۳) قابل پذیرش، ۴) با کیفیت باشند، روشن است که دسترسی به دانش یا علوم و تکنولوژی مربوط به سلامت برای تحقق عناصر مذکور ضروری است که در ادامه با تفصیل بیشتری به آن می پردازیم.

۱) فراهم بودن: در نظریه عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی آمده امکانات مربوط به سلامت عمومی و مراقبت های بهداشتی، کالا و خدمات باید به اندازه کافی فراهم و موجود باشد. نوع و ماهیت دقیق این امکانات و کالاها و خدمات به سطح توسعه یافتگی دول عضو مربوط می شود. برخی از امکانات تعیین کننده برای حفظ سلامت عبارتند: از آب کافی و قابل آشامیدن، تجهیزات فاضلاب، بیمارستان ها و کلینیک ها و ساختمانهای مربوط به سلامت و داروهای اساسی به آن نحوی که در برنامه عملسازمان بهداشت جهانی در مورد داروهای اساسی مقرر شده.^{۵۴} فراهم بودن این امکانات امروزه به دو شکل با مانع روبه روست:

الف) کند بودن روند تحقیقات: امروزه دیده می شود که سرعت شیوع بیماری ها و افزایش مرگ و میر ناشی از آنها بیشتر از سرعت تحقیقات مربوط به سلامت است. برای مثال شیوع بیماری ایدز^{۵۵} در بسیاری از کشورها با چنان سرعتی در حال رشد است که با روش های متداول تحقیقات نمی توان به طور موثری با آنها مقابله کرد و مدت زمان دستیابی به توانمندی های لازم جهت مقابله با برخی بیماری های مسری خطرناک عموماً به مدت سالها تخمین زده می شود.^{۵۶} در صورتی که انجام تحقیقات مربوط به سلامت از طریق همکاری و تقسیم دانش و تجربیات صورت گیرد با تبادل دانش و اطلاعات و انتقال تکنولوژی مسیر رسیدن به نتیجه کوتاه تر می شود و سرمایه های مالی و انسانی به طور موازی مسیرهای طولانی را نمی پیمایند. با کوتاه شدن مسیر انسان های بسیاری از مرگ نجات پیدا می کنند و در نتیجه دردهای بسیاری پایان می پذیرد.^{۵۷}

ب) جای خالی تحقیقات: امروزه انجام پروژه های تحقیقاتی در حوزه های پزشکی- دارویی و به طور کلی سلامت، مستلزم صرف هزینه های مالی و انسانی بسیاری است. ولی اگر نتایج حاصل از این تحقیقات با واقعیت ها و نیازهای مردمان گرفتار مطابقت نداشته باشند هیچ مشکلی از مشکلات بیماران را حل نمی شود.

شیوع یک بیماری خطرناک در کشوری که امکانات لازم برای انجام پروژه های تحقیقاتی و تولید دارو و درمان را در اختیار ندارد، رسیدن به درمان را به تاخیر می اندازد. زیرا تجربه ثابت کرده که شرکت های داروسازی مستقر در کشورهای توسعه یافته به نیازها و و شرایط سخت ناشی از شیوع برخی بیماری ها در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته اهمیتی نمی دهند و تنها به تولید محصولات می اندیشند که با فروش آنها به مردمان ثروتمند بتوانند به سود بیشتری دست پیدا کنند.

طبق آمار از ۱۰۳۵ دارویی که در بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۰ توسط اداره فدرال داروی آمریکا مورد تایید قرار گرفته اند تنها ۳/۴ درصد از آنها نسبت به داروهایی که قبلاً موجود بوده اند، اثر دارویی جدیدی داشته اند و کمتر از ۱٪ آنها مربوط به بیماری هایی بوده اند که باعث رنج و زحمت مردم فقیر هستند. این واقعیت تلخ باعث گردید که سازمان بهداشت جهانی برای معضل فراهم نبودن دارو به دنبال راه حل مناسبی باشد.^{۵۸} راه حل سازمان بهداشت جهانی برای این مسئله از سه وجه برخوردار است که عبارتند از:

⁵⁴ CESCR, general comment no 14, paragraph 12.

⁵⁵ HIV/AIDS

⁵⁶ the World Health Report, 2004, pp.86-87

⁵⁷ Ibid

⁵⁸ Background Document for Proposed Resolution on Global Framework on Essential Health Research and Development, WORLD HEALTH ORGANIZATION, 117th Session, January 2006; aa: www.who.int/.

۱) جذب اطلاعات و سرمایه های فکری و ادغام آنها در یک سیستم مشترک، ۲) دسترسی یکسان به این اطلاعات، ۳) توزیع امکانات اعم از انتقال دانش و تکنولوژی و به کارگرفتن آن در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته.^{۵۹}

۲) **قابلیت دسترسی:** پایه و اساس توسعه دسترسی به دانش است و به دنبال آن است که امکان تحقق حقوق بشری به نحو شایسته ای به وجود می آید. دسترسی فیزیکی به امکانات و کالاهای مربوط به سلامت نیازمند زیرساختهایی است که در یک نظام و کشور بهره مند از توسعه امکان تحققش وجود دارد. برای مثال در نظریه عمومی شماره ۱۴ سیستم های آب آشامیدنی سالم و فاضلاب بهداشتی برای تأمین حق سلامت مورد تأکید قرار گرفته اند. کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی مقرر می دارد کالاهای، امکانات و خدمات مربوط به سلامت باید در دسترس همه باشند و این دسترسی باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. بدون تبعیض بین افراد جامعه در دسترس باشند؛

۲. از نظر فیزیکی امکان استفاده از آنها برای همه گروهها و اقشار جامعه به طور سالم توی نظر فراهم باشند؛

۳. دسترسی اقتصادی نیز از عناصر دسترسی است و به این معناست که کالاهای و خدمات و امکانات مربوط به سلامت با قیمت هایی ارائه شوند که برای همه قابل خرید و تهیه باشند؛

۴. دسترسی به اطلاعات مربوط به سلامت نیز بخش مهمی از دسترسی به امکانات کالاهای و خدمات مربوط به سلامت است.^{۶۰}

از این چهار نوع دسترسی، به دسترسی اقتصادی می پردازیم زیرا دسترسی اقتصادی با بحث دسترسی به دانش و حق سلامت ارتباط ملموس تر و مستقیم تری دارد.

• دسترسی اقتصادی به سلامت و دسترسی به دانش

تغییر و تحولات تکنولوژیکی در سال های اخیر موجب توسعه مرزهای علم و تکنولوژی در حوزه های مختلف گردیده که حوزه دارویی و پزشکی نیز تحت تاثیر این تحولات قرار گرفته اند. از جمله نتایج حاصل از این پیشرفت ها نقشه ژنوم انسانی، درمان سل، مالاریا و تلاش برای یافتن درمان ایدز می باشد. این توسعه ها نویدی بود برای تأمین حق سلامت به خصوص برای مردمان کشورهای در حال توسعه که بیشتر با بیماری های مسری دست به گریبانند. اما هنوز هم دیده می شود که بیماری های قابل پیشگیری و قابل درمان هر سال جان میلیون ها نفر را می گیرند و^{۶۱} با وجود توسعه علم و تکنولوژی نابرابری های غیر قابل پذیرشی از نظر موقعیت سلامت بین مردم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. این نابرابری در داخل کشورهای بین مردم ثروتمند و فقیر نیز حاکم است. زیرا قیمت داروها و کالاهای پزشکی بالاست. اما دلیل بالا بودن قیمت چیست؟ یکی از پاسخ هایی که می توان به این سؤال داد این است که وقتی یک دارو تحت حمایت پتنت قرار می گیرد به دلیل ایجاد انحصار قیمت بالا می رود.

طرفداران تحت پتنت قرار گرفتن کالاهای مربوط به سلامت به دو موضوع تشویق نوآوری و تأمین هزینه پروژه های تحقیق و توسعه برای توجیه اعطای حقوق انحصاری در امور مربوط به دارو درمان استناد می کنند. در ادامه به بیان این دلایل و نقد آنها می پردازیم:

⁵⁹ Ibid

⁶⁰ CESCR, general comment no14, paragraph 12

⁶¹ see Sisule F. Musungu, *Utilizing Trips Flexibilities for Public Health Protection Through South-South Region Frameworks*, South Center, 2004.

۱) تشویق نوآوری:

استدلال طرفداران حمایت پتنت از کالاهای مربوط به سلامت این است که اگر فرد مبتکر به پاداش نرسد انگیزه ای برای ادامه کار ندارد و این امر باعث می شود بسیاری از بیماری ها بدون درمان بمانند. در پاسخ می توان گفت درست است که پتنت برای حمایت از شخص مبتکر و نوآوری است اما هدف اصلی مالکیت فکری خارج شدن نوآوری از حوزه خصوصی و وارد شدن آن به حوزه عمومی است تا بشریت از انحصاری شدن دانش به زحمت نیفتد. و منافع جامعه تأمین گردد. از این رو حق مالکیت فکری را در یک دوره محدود به مبتکر اعطا می کنند تا ضمن ایجاد انگیزه برای فرد مبتکر منافع جامعه نیز با ادامه نوآوری ها تأمین گردد و پس از سپری شدن دوره حمایت همه افراد از آن نوآوری بهره مند گردند. این امر که پتنت شکل انحصار دانش مربوط به داروهای ضروری را به خود بگیرد و باعث ایجاد انحصار در بازار و افزایش قیمت گردد به روشنی با فلسفه ایجاد پتنت در تعارض است، زیرا هدف بهتر شدن زندگی بشر است است نه گرفتن جان و به خطر افتادن سلامت او.

۲) **تأمین هزینه برای پروژه های تحقیق و توسعه در حوزه دارو و درمان:** کسانی که این توجیه را به کار می برند مدعی اند که شرکت های بزرگ دارو بخشی از درآمد حاصل از فروش داروهای مورد حمایت پتنت را صرف انجام پروژه های تحقیقاتی و کشفیات جدید می کنند و به این ترتیب به تأمین سلامت کمک می کنند. مثلاً شرکت بزرگ داروسازی گلاکسو^{۶۲} اظهار داشته ۱۴٫۶٪ از درآمدش را در امر تحقیق و توسعه سرمایه گذاری می نماید. یعنی از هر دلاری که از فروش دارو حاصل می شود نزدیک به ۱۵ سنت آن به تحقیق و توسعه اختصاص دارد. اما سازمان بهداشت جهانی حساب کرده است که بیشتر داروهای تحت پتنت ۲۰ تا ۱۰۰ برابر قیمت تمام شده به فروش می رسند.^{۶۳} بنابراین تأمین هزینه تحقیق و توسعه از این طریق به قیمت از دست دادن جان انسانهایی تمام می شود که توانایی خرید آنها را ندارند. در نتیجه محدودیت دسترسی به دانش از طریق افزایش قیمت مانع تحقق حق سلامتگردیده است. می توان اینگونه نتیجه گرفت که در حال حاضر اعمال مالکیت فکری مانعی برای در دسترس بودن اقتصادی دارو است و منجر به عدم تحقق حق سلامت می گردد.

ح) حق غذا و دسترسی به دانش

۱. حق غذا

حق غذا به عنوان یکی از بارزترین مصادیق حق حیات به صورت یک تعهد الزام آور در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مطرح گردید و دولت ها ملزم به تأمین آن شده اند. ماده ۱۱ میثاق ح.ا.ا.ف می گوید: هر کس حق دارد از یک سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده اش بهره مند باشد که این حق در بر دارنده خوراک، پوشاک، و مسکن کافی است. طبق بند ۲ این ماده اعضای میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی توافق کرده اند که به منظور رهایی همه افراد از گرسنگی از طریق همکاری بین المللی تدابیر لازم را اتخاذ کنند که از جمله این برنامه ها بهبود روش های تولید، حفظ و توزیع خوار و بار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی است تا جایی که حداکثر توسعه موثر و استفاده از منابع طبیعی تأمین گردد.

علاوه بر میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی می توان گفت که حق غذا در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تضمین قرار گرفته است. آنجا که میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۶ خود حق حیات را مورد شناسایی قرار می دهد به طور ضمنی حق غذا را نیز در نظر داشته است، زیرا حق غذا از بارزترین مصادیق حق بر حیات است و بدون تأمین آن ادامه حیات امکان پذیر

⁶² Glaxo

⁶³ Paul Hunt, *Neglected Diseases, Social Justice and Human Rights: Some Preliminary Observations*, Health and Human Rights Working Paper Series No 4, 2003.

نیست. در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز حق غذا شناسایی شده است به موجب این ماده هر کس حق دارد که سطح معاش او سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک تأمین کند. تعیین محتوای حق غذا مورد توجه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. این کمیته در نظریه عمومی شماره ۱۲ خود حق غذا را شامل موارد زیر دانسته است:^{۶۴}

(۱) کافی بودن غذا: تعهد دولت‌ها بر تأمین حق غذا در بر دارنده تعهد نسبت به فراهم کردن غذایی است که از نظر کیفیت و کمیت برای پاسخگویی به نیازهای افراد کافی باشد.

(۲) در دسترس بودن غذا: منظور از دسترسی امکان تهیه غذا به صورت طولانی مدت و رسیدن به امنیت غذایی می باشد. دسترسی شامل دسترسی اقتصادی و دسترسی فیزیکی است.

(الف) دسترسی اقتصادی به این معنا است که هزینه‌های پرداختی برای تهیه غذا آنقدر زیاد نباشد که توانایی فرد را برای خرید و تهیه سایر نیازهای اساسی از بین ببرد و یا محدود کند.

(ب) دسترسی فیزیکی به معنای فراهم بودن غذاست. یعنی این امکان فراهم باشد که افراد به طور مستقیم خود به تولید و کشت محصولات غذایی پردازند و غذای خود را تهیه کنند و یا اینکه سیستم بازار و فرایند توزیع به نحوی باشد که غذای مازاد بر نیاز محل تولید به جایی که به آن نیاز است منتقل گردد.

۲. دانش و تأمین حق بر غذا

از ۳ مقوله بهبود شرایط تولید، حفظ و توزیع مواد غذایی که طبق بند ۲ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی دولت‌ها متعهد شده اند که برای تحقق آنها در سطح بین المللی با یکدیگر همکاری علمی و فنی داشته باشند. مسئله بهبود شرایط تولید و نقش دانش و دسترسی به آن در تحقق جهانی تأمین حق غذا می پردازیم. برای تحقق این حق، غذا باید از نظر کیفیت و کمیت به نحوی باشد که برای رفع نیاز افراد کافی باشد.

امروزه دانش ژنتیک برای تولید محصولات با کیفیت بالا بسیار به کار گرفته می شوند. برای مثال در تولید محصولات دارای ویتامین آ از علم ژنتیک استفاده می شود. در هر سال ۳ میلیون کودک بر اثر کمبود ویتامین آ نابینا می شوند. امروزه بزرگترین امید برای مبارزه با این تلفات و بالا بردن کیفیت غذا از لحاظ تأمین ویتامین آ اضافه کردن این ویتامین به گیاهان است و برخی بر این باورند که تغییر ژنتیکی احتمالاً بهترین روش برای رسیدن به این منظور است.^{۶۵} در ژانویه ۲۰۰۰ پژوهشگران اعلام کردند که برنجی سرشار از ویتامین آ تهیه کرده اند. علم ژنتیک به تحقق امنیت غذایی نیز کمک می کند مانند تولید و به کار گیری گونه های گیاهی مجهز به ژن مقاوم در برابر شوری خشکی و بیماری ها. موسسات بسیاری هستند که در این زمینه فعالیت می کنند مانند بنیاد ام. اس سوامیناتان مدرس که برای افزایش درجه پایداری برنج در برابر شوری دریا کار می کنند.^{۶۶}

۳. انحصار دانش و حق بر غذا

با استفاده از دانش مربوط به علم ژنتیک شیوه تولید محصولات غذایی پیشرفت کرده است. بذرهایی به دست آمده دارای صفاتی هستند که باعث بهبود کیفیت و کمیت محصولات تولیدی می شوند. با این حال امروزه دیده می شود که استفاده از دانش جدید

⁶⁴ CESCR, General comment no.12

⁶⁵ جام هاولی، تجارت گرسنگی، ترجمه صلاح الدین محلاتی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷.

برای تولید بذره‌های سودمند تر خود به یکی از عوامل به خطر افتادن امنیت غذایی در دنیای امروز تبدیل شده است. کسانی که به این دانش دست پیدا کرده اند از آن استفاده انحصاری می کنند و با استفاده از مزایای مالکیت انحصاری روش تولید، بذرها و گیاهان در دنیای تجارت آزاد باعث افزایش قیمت مواد غذایی می شوند.

مشکل به اینجا ختم نمی شود زیرا دیده می شود صاحبان فناوری های ژنتیک با استفاده و فروش بذره‌های ژنتیک انسان ها را از دسترسی فیزیکی به غذا نیز محروم می کنند. بعضی از این بذرها قابل کشت نیستند و کشاورزان نمی توانند غذای خود را تأمین کنند، در نتیجه پس از آن دیگر غذایی برای رفع نیاز وجود ندارد. در نتیجه امنیت غذایی که از عناصر اصلی تأمین حق بر غذاست از بین می رود و ملت های فاقد دانش مربوط به تولید محصولات غذایی به محصولات وارداتی وابسته می شوند. محصولات گران قیمتی که برای پرداخت هزینه های آن باید از سایر نیازهای اساسی خود صرف نظر کنند.

هر چند که بند ۳ ماده ۲۷ تریپس این اجازه را به کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی داده است که ثبت انحصاری گیاهان حیوانات را ممنوع کنند. اما با این وجود شکلی از نگهداری مالکیت فکری برای گونه های تازه گیاهی را در خواست می کند. موافقتنامه تریپس به وسیله مقررات خود و در مورد حق انحصاری بر موجود زنده و بویژه دانه ها اثری مستقیم روی امنیت غذایی می گذارد. بنابراین اگر روش به کار رفته برای تولید گیاهی انحصاری است، صاحب انحصار از حقوق استثنایی بر روی گیاهان برخوردار است. بدین قرار کشاورزان خود را در برابر ممنوعیت به کارگیری بذره‌های به دست آمده از این گیاهان می بینند.^{۶۷}

انتقاد بسیاری بر مسئله امکان حصول مالکیت فکری انحصاری برای ابداعات مربوط به گیاهان وجود دارد. از جمله آنکه به وسیله تکنولوژی به روی گونه های گیاهی که کشاورزان در طی سالیان دراز با انجام گزینش به دست آورده اند تغییری ایجاد می کنند و با استفاده از مالکیت فکری صاحب حق انحصاری بر روی آن گونه می شوند. و از این رو گفته می شود که موافقتنامه های حقوق مالکیت فکری حقوق جوامع بر منابع خویش را به رسمیت نمی شناسند.^{۶۸} این انتقادات در جای دیگری باید مطرح شود و نقطه نظر این گفتار تنها توجه به خطری است که انحصار دانش برای امنیت غذایی ایجاد می کند. باید گفت بر خلاف آنچه که گفته می شود، ساز واره های دستکاری شده بزرگ ترین تهدید برای امنیت غذایی نیستند بلکه آنچه تهدید آور است انحصاری شدن دانش مربوط به بذرها و گونه های گیاهی است که موجب می شود تا مهار کار تهیه و ذخیره آذوقه در دست دارندگان حقوق انحصاری قرار بگیرد.

در دنیای امروز بیشتر این دارندگان شرکت های فراملیتی هستند. در سال ۱۹۹۸ یک شرکت آمریکایی به نام دلتا اند پین لند بذرهایی را تولید کرد که از طریق اصلاح ژنتیک استیریلزه شده بود و فقط یک بار قابل کاشت بودند و کشاورزان نمی توانستند آنها را برای کاشت در فصل بعدی نگهداری می کنند. در ابتدا این روش تنها در مورد دانه های پنبه و تنباکو جواب داده بود اما ظاهراً هدف دلتا اند پین لند این بود که این روش را در مورد مواد غذایی مانند گندم و برنج و بعد احتمالاً سایر کشت ها نیز اجرا نماید. این روش به نام ترمیناتور به معنای نابود گر نامیده شد و مخالفت های بسیاری از چهار گوشه جهان بر علیه آن بروز کرد و سر انجام نیز موفق شدند.

⁶⁷ See CIDSE, **patenting of life, the poor and food security**, Bruxelles, CIDSE (Cooperation internationale pour le développement ET la solidarité), 1999

⁶⁸ See Action Aid, **trips and Farmer's Rights**, London, Action Aid, 1999.

در سال ۱۹۹۹ پس از ۱۸ ماه مخالفت و مبارزه مدیر کل شرکت مونسانکو که مالک شرکت دلتا اند پین لند بود اعلام کرد به دلیل اضطراب های که در میان مردم از روش استرلیزاسیون مشاهده می شود دیگر قصد بازرگانی کردن این محصول را ندارد.^{۶۹}

مثال دیگر فناوری ای است که فقط در صورتی که دانه با فراورده های شیمیایی که به وسیله همان شرکت تولید و فروخته می شود آغشته شود آن دانه روئیده می شود، این فناوری محصول یک شرکت دارو سازی چند ملیتی به نام آسترازنکا است که مرکزش در انگلیس است.^{۷۰}

به این ترتیب خطر تعلق حقوق انحصاری به ابداعات مربوط به محصولات غذایی در جهان امروز امری است بسیار ملموس و تجربه شده است. شرکت های دارنده حقوق انحصاری هم از سود حاصل از افزایش قیمت حاصل از حقوق انحصاری بهره می برند، هم این امکان را دارند که با استفاده از بازار انحصاری شرایط خود را به مصرف کنندگان که اغلب ملت های فقیر هستند تحمیل کنند و آنها را با محصولات جدید خود از امنیت غذایی محروم کنند. مانند محصولاتی غیر قابل کشت مجدد و آنها را از دست آورد های دانش بشری که انسان ها را برای داشتن غذای کافی و مناسب یاری می کند محروم سازند.

۴. حق غذا و تعهد دولتها

کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی تعهد دولتها در مورد حق غذا را شامل تعهد به احترام، حمایت و اجرا می داند.^{۷۱}

۱) تعهد به احترام: این تعهد متضمن آن است که دولت و سازمان های آن هیچ اقدامی که در جهت نادیده گرفتن و تعرض این حق باشد انجام ندهند. تعهد به احترام در سطح جهانی نیز مطرح می باشد و دولتها باید از انجام اقداماتی که برای دسترسی انسانها به غذای کافی مانعی ایجاد می کنند خودداری کنند. این ممنوعیت هم شامل اعمال و تصمیمات دولتهاست و هم شامل اعمال و تصمیماتی است که دولت ها در قالب سازمانهای بین المللی دولتی به صورتی جمعی اتخاذ می کنند. از این رو کمیته در نظریه عمومی شماره ۲ خود مسئله برنامه ها و اقدامات سازمان های بین المللی را که تاثیر منفی بر روی تحقق حقوق بشری دارند مورد توجه قرار داده است.^{۷۲} دولت ها به عنوان اعضای سازمان های بین المللی. به ویژه سازمان های مالی. موظف هستند که هر آنچه در توان دارند انجام دهند تا مانع این شدند که در سازمان های بین المللی سیاست ها و تصمیماتی مغایر با تعهدات حقوق بشری دولت ها اتخاذ شود.^{۷۳}

۲. تعهد به حمایت: به موجب این تعهد دولت ها موظف هستند تا از افراد در مقابل نقض حق غذا توسط اشخاص ثالث جلوگیری کنند مثلا اگر یک شرکت در سطح داخلی یا شرکت های چند ملیتی در سطح جهانی با اقدامات خود باعث افزایش قیمت غذا و عدم دسترسی مردم به غذایی کافی و مناسب شوند دولت ها تعهد موظف به برخورد با آن شرکت ها و حمایت از حق انسان ها بر غذا هستند. ایجاد مانع بر سر راه حق غذا تنها محدود به افزایش قیمت نمی شود که در ادامه بیشتر به آن می پردازیم.

۳. تعهد به اجرا: دولت ها طبق ماده ۱۱ ح.ا.ا.ف متعهد هستند فرصت هایی که به موجب آنها بهره مندی از این حق ممکن می شود را تسهیل بخشند. به موجب بند ۲ ماده ۱۱ دولت ها باید تدابیری اتخاذ کنند. تا شرایط تولید حفظ و توزیع غذا با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی و با توسعه یا اصلاح زراعی بهبود یابد.

^{۶۹} جام هاولی، پیشین، ص ۱۸۳.
^{۷۰} همان، ص ۱۸۵.

^{۷۱} General Comment IVO12

^{۷۲} ESCR, General Comment VO2 (1990), International Technical Assistance, UN Doc, E/1990/23.

^{۷۳} ESCR, Concluding Observations, Ireland, E/C.12/1/Add.77. 5 June 2002

تعهد حقوق بشری دولت‌ها برای اجرای حق در سطح بین‌المللی از طریق همکاری دولت‌ها در زمینه‌های علمی و فنی ایفا می‌شود. هر چند مسئله لزوم همکاری بین دولت‌ها نیز در حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی در ماده ۲ میثاق مورد تاکید قرار گرفته است. اما اهمیت این همکاری برای تأمین حق غذا پررنگ‌تر می‌شود. تدوین کنندگان میثاق نیز ضرورت وجود تکنولوژی و دسترسی به علوم جدید را برای تأمین غذای کافی و با کیفیت درک کرده بودند.

نتیجه گیری

مهمترین معاهدات حقوق بشری میثاق حقوق مدنی سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. معاهدات خاص حقوق بشری و معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر نیز از منابع حقوق بشر هستند. در این معاهدات از حق جستجو و دریافت اطلاعات بدون در نظر گرفتن مرزها به عنوان یک حق بشری یاد شده است و برای نوع و یا شکل ارائه اطلاعات محدودیتی ذکر نگردیده. به علاوه حقوق دیگری که در این معاهدات مورد حمایت قرار گرفته اند نیز برای تحقق نیازمند دانش و تکنولوژی روز هستند مانند حق غذای کافی، حق سلامت، حق آموزش، حق مشارکت در زندگی فرهنگی. اما در رأس همه حقوقی که تحقق آنها منوط به دسترسی داشتن به حقوق بشر است حق حیات قرار دارد. حق حیات که در میثاق حقوق مدنی سیاسی شناسایی شده است به عنوان منشاء و دلیل ظهور حق‌های دیگری همچون حق بر غذا، حق مسکن، حق سلامت و غیره است. که برای تأمین آن در جهان امروز بهره‌مندی از دانش روز ضروری است زیرا خطراتی که امروزه برای ادامه بقا بشر وجود دارد خاص این دوران است و راه حل‌های خاص خود را نیز می‌طلبد که دانش روز این راه حل‌ها را ارائه می‌دهد.

امروزه خطر انحصار دانش در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است و فعالان بسیاری در سرار جهانی در جهت تأمین دسترسی آزادانه دانش تلاش می‌کنند و پیش‌نویسهایی از سوی این فعالان تهیه و ارائه شده‌اند، مانند پیش‌نویس‌های معاهده دسترسی به دانش^{۷۴} و معاهده تحقیقات و توسعه مربوط به امور پزشکی^{۷۵}. البته تأمین دسترسی آزادانه به دانش نیاز به این دارد که از لحاظ نظری نیز ضرورت دسترسی به دانش برای تأمین کرامت انسانی به عنوان یک حق بشری به اثبات رسیده و دفاع شود تا بتوان در عرصه بین‌المللی با استفاده از مکانیزم‌ها و امکانات حقوق بشری به نحو قوی‌تری از لزوم دسترسی آزادانه به دانش دفاع و از انحصار دانش جلوگیری کرد.

منابع

منابع فارسی

۱. انصاری باقر، "مفهوم مبانی و لوازم آزادی اطلاعات"، نامه مفید حقوقی، شماره ۱۳۸۶.
۲. بشیریه حسین، آموزش دانش سیاسی، پیشین، صص ۴۴۰-۴۴۳.
۳. بشیریه حسین، آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲.
۴. بشیریه حسین، گذار به دموکراسی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴.

⁷⁴ Access to Knowledge Treaty (A2KT)

⁷⁵ Medical Research and Development Treaty (MRDT)

۵. جعفرزاده میر قاسم ، شرایط ماهوی حمایت از اختراع از نگاه رویه قضایی و اداره ثبت اختراعات، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲.
۶. فاطمی سید محمد قاری ، "توسعه قلمرو و تضییق محدودیت: آزادی بیان در آیین حقوق بشر معاصر"، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۴۱، دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۴.
۷. لیست سیمور مارتین ، دایرة المعارف دموکراسی، سرپرستان ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
۸. هاولی جام ، تجارت گرسنگی ، ترجمه صلاح الدین محلاتی ، انتشارات امیر کبیر ، تهران، ۱۳۸۶.

منابع لاتین

1. Adasteinsson Ragnar, Tborballson Pall, "**article27 in "The Universal Declaration of Human Rights: A Common Standard of achievement"**", Gudmundur Alfredsson, Asbjørn Eide , Martinus Nijhoff Publishers, 1999.
2. Aid Action, **trips and Former's Rights**, londers, Action Aid, 1999.
3. Dahl .R.A., **Democracy and it's Critics**, Yale University Press, London, 1989.
4. Donnelly Jack, **International Human Rights**, London, West view Press, 1993.
5. **Encyclopedia Britanica**, vol.8, the University of Chicago, 1976.
6. Green Maria, "**Drafting History of the Article 15 (1) (c) of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Right**", International Anti-Poverty Law Center, New York, UN DOC.E/C.12/2000/15
7. Hunt Paul, **Neglected Diseases, Social Justic and Human Rights: Some Preliminary Observations**, Health and Human Rights Working Paper Series No 4, 2003.
8. Jozeph Sarah schult jenny, **the international convention on civil and political right**, oxford university press, 2000.
9. Loucaides Loukis G., **Essays on the Developing Law of Human Rights**, Martinus Nijhoff Publishers, 1995.
10. Morsink Johannes, the **Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting and Intent**, University of Pennsylvania Press, 1999.
11. Musungu Sisule F. **Utilizing Trips Flexibilities for Public Health Protection through South-South Region Frameworks**, South Center, 2004.
12. Pauwelyn. J, **the role of public international law in the WTO: How for Can we go?** , American Journal of International law 2001.
13. **THE Role OF Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain**: Proceeding of a Symposium, Steering Committee on the Role of Scientific and Technical Data and Information in the Public Domain Office of International Scientific and Technical Information Programs National Academies Press Washington, D.C, 2003, aa:www.nap.edu/catalog/10785.html.
14. Toby Mendel, **freedom of information: a comparative legal survey**, Macro Graphics Pvt. Ltd., 2003.
15. Toby Mendel, **The Public's Right to Know: Principles on Freedom of Information Legislation**, Article 19, London, 1999, Preface, at: www.article 19.org/.
16. **Toward Knowledge Societies**, UNESCO world report 2005 p.28. at: www.unesco.org/publications.

اسناد

1. Academic freedom in 21th century, the AFT (American federation of teachers), statement on Academic Freedom, 2007.

2. Access to Knowledge Treaty (A2KT)
3. **Background Document for Proposed Resolution on Global Framework on Essential Health Research and Development**, WORLD HEALTH ORGANIZATION, 117th Session, January 2006; aa: www.who.int/.
4. CESCR revised general guidelines regarding the form and content of reports to be submitted by states parties under articles 16 and 17 of the international convention on ESCR.
5. CESCR, the Right to Education General comment no.13, E/C.12/1999/10.
6. CESCR, the Right to the Highest Attainable Standard of Health, General comment no.12, E/C.12/2000/4.
7. CHR, general comment no. 31.
8. CIDSE, **patenting of life, the poor and food security**, Bruxelles, CIDSE (Cooperation internationale pour le développement ET la solidarité, 1999
9. Declaration of Principles on Freedom of Expression in Africa, African Commission on Human and Peoples' Rights, 2002, article IV.
10. Doha Declaration on Trips and Public Health.
11. ESCR, Concluding Observations, Ireland, E/C.12/1/Add.77. 5 June 2002
12. ESCR, General Comment VO2 (1990), International Technical Assistance, UN Doc, E/1990/23.
13. FAO voluntary guidelines on the right to food; at: www.FAO.org/.
14. HRC, Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant General Comment no.31, CCPR/C/21/Rev.1/Add.13.
15. Medical Research and Development Treaty (MRDT)
16. Millennium development goals of UN, 2000.
17. Statement on Academic Freedom, Report of the First Global Colloquium of University Presidents,
18. TREATY ON ACCESS TO KNOWLEDGE, Draft 9, May 2005.
19. UNESCO Recommendation on Participation by the People at large in Cultural life and Their Contribution to It, 1976.
20. UNESCO Recommendation on participation by the people at large in cultural life and their contribution to it, 1976.
21. UNESCO Recommendation on the Recognition of Studies and Qualification in Higher Education, UNESCO General Conference, UNESCO, Paris, 1993.
22. UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity.
23. Union for the protection of new Varieties of plants (UPOV)
24. World Health Report, 2004; at: www.who.int/whr/2004/en/